

# سال پلنگ صورتی...!



دیگر مقادیر معتابهی گندم و جو و برنج و گاو و گوسفند و مرغ و تخم مرغ

اگر امکان داشت اینجانب، یعنی م. لُنیک خراسانی گزارش بررسی مهم ترین رویدادهای سال ۱۳۷۶ و پیش بینی اوضاع سال ۱۳۷۷ را به سبک و سیاق خودم، و بر اساس فرمان دلم بنویسم، چنین می نوشتم:

غیرمتمدن! صدام خان جان و دار و دسته اش یک مختصر اشتباهی کرده اند، شما چرا مردم عراق را تحت فشار گذاشته اید؟

در آفریقا، مخصوصاً در رواندا اوضاع بر وفق مراد بود و مردم قبیله هوتو با مردم قبیله توتوسی روزی سه بار رویوسی می کردند و به هم هدایای خوب خوب می دادند و به جان آمریکائی ها و اروپائی ها دعا می کردند. رهبران عربستان سعودی مرتباً طالبان و وهابی های پاکستانی را نصیحت می کردند که دست از لجاجت بردارند و بجای بازی بسا توپ و تفنگ و نارنجک و بمب ساعتی و دینامیت بنشینند پشت رایانه و خودشان را با بازیهای رایانه ای سرگرم کنند.

در همین سال منابع موثق خبر دادند که رؤسای کشورهای گردن کلفت روزی سه بار این شعر سعدی را می خوانند:

بنی آدم اعضای یک پیکرند  
که در آفرینش ز یک گوهرند

و تحت تأثیر همین یک بیت، چهار چشمی مواظب بودند تا مبادا شرکتهای فراملیتی منابع ثروت و مواد اولیه کشورهای گردن نازک را از آن

بفروشیم و ایضاً توفیق یاقیم خودروی ملی، رایانه ملی، یخچال- فریزر ملی، تلویزیون ملی و خیلی مصنوعات ملی دیگر را به مالکی نظیر آلمان و ژاپون و فرانسه و امثالهم صادر نموده و صاحب یک ذخیره ارزی شویم به این گندگی!

در سیاست خارجی، در منطقه حرف اول را ما می زدیم، و در غرب آسیا نقش تعیین کننده داشتیم و به کوری چشم حسودان و به یمن تدابیر وزیر سابق امور خارجه جات پوزه استکبار را، بویژه در نیمه اول سال ماضی، به خاک مالیدیم.

و اما در مورد اوضاع جهان می نوشتم:

صلح و صفا در اقصی نقاط عالم برقرار بود. مردم الجزایر برای مردم افغانستان گل می فرستادند و هواپیماهای ترکیه ای با پشتیبانی طیارات ناتو برای مناطق محروم شمال عراق از آسمان به زمین غذا و دارو می ریختند و چون مشخص شده بود حکومت بغداد قرار است از برخی اشتباهات بی اهمیت که بی خودی هم بزرگ جلوه داده شده بود معذرت خواهی کند و بپذیرد که سهواً چند بمب شیمیائی وارد زرادخانه اش شده است آمریکا به سازمان ملل فشار آورد که: ای نمایندگان ملت های

«در سال ۱۳۷۶ کشور ما به ترقیات کافیه و وافیه نائل آمد. کسب و کار رونق داشت. صاحبان و مدیران صنایع از زیادت تولید نمی دانستند مازاد تولید را کجا انبار کنند. قیمت ها نازل و اجناس وافر بود. دانش آموزان عزیز و دانشجویان گرامی در بوستان آموزش غیرطبقاتی و نمونه کشور خوش می خرامیدند و آنها هم که فارغ التحصیل می شدند، به شغلی درخور شاغل می شدند، زوجی مناسب می یافتند، خانه ای می خریدند و عائله ای تشکیل می دادند و چون از بسابت تأمین آینده هیچ دل نگرانی نداشتند بعد از ۹ ماه و ۹ روز و ۹ ساعت و ۹ دقیقه و ۹ ثانیه صاحب یک پسرکاکل زری یا یک دختر دندان مرواری می شدند. زعما و رؤسا شب و روز عرق ریزان سرگرم رتق و فتق امور بودند. دیناری از بیت المال حیف و میل نشد و فقط در چند مورد که چند نفر از خویشان برخی رؤسای درجه سه کمی بی احتیاطی کرده و قصد داشتند با استفاده از کاغذ و خودکار بیت المال نامه شخصی بنویسند به دام قانون افتادند و کیفر درخور یافتند. صادرات رونق داشت و ما توانستیم به آرژانتین و استرالیا و کانادا و اروگوئه و تایلند و برخی بلاد

بخرند و به آنها کالاهای بنجل و گران بفروشند و با ترفندهای عجیب و غریب این کشورها را بدهکار کنند و خدای نکرده به رهبرانشان رشوه بدهند و به فرهنگ و استقلال اهالی این ممالک چشم زخمی بزنند.

بدین قرار از دیدگاه این بنده که نُبک خراسانی باشم جهان در سال گذشته گلستان بود و چون هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که ثابت کند اوضاع تغییر خواهد کرد، به ضرس قاطع پیش‌بینی می‌کنم دنیا در سال آینده هم گلستان خواهد بود.

### تفسیر زورکی!

اگر اختیار دست اینجانب بود، تفسیر اوضاع ایران و جهان در سال ۱۳۷۶ و پیش‌بینی رویدادهای سال ۱۳۷۷ را به همین جا خاتمه می‌دادم و بیش از این مصدع اوقات شما نمی‌شدم، اما افسوس که ناچارم طبق سفارش سردبیر مجله تفسیری بنویسم و پیش‌بینی‌هایی ارائه دهم که مطابق سلیقه نامبرده باشد. لذا مجبورم به سراغ تهیه کنندگان تقویم سنتی بروم و از دانش ایشان مدد بگیرم. این منجمان وطنی نوشته‌اند:

«اودئیل» می‌رود و «بارس‌ئیل» می‌آید.

### ترجمه:

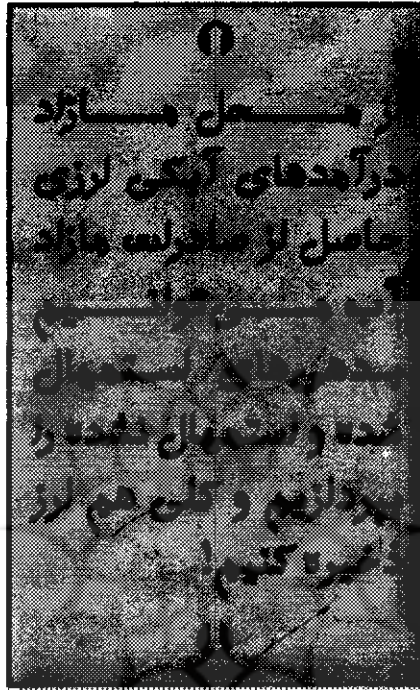
سال گاو تمام می‌شود و سال پلنگ جای آن را می‌گیرد.

همین جا و مقدمات لازم است عرض کنم من نمی‌دانم چرا تقویم‌نویسان سنتی ما عادت دارند تقاویم سالیانه خود را با عناوین ترکی و با استناد به اقوال و روایات حکمای ترکستان تبیین کنند؟

به این موضوع کاری ندارم که حتی قبل از میلاد مسیح هم ایرانیان به گردش فصول چهارگانه و تجدید حیات طبیعت در آغاز بهار پی برده بودند و از روزگاران بسیار دور نوروز را آغاز سال ۳۶۵ روزه قرار داده و آن را جشن می‌گرفتند (البته حسابگری آنها کاملاً دقیق نبوده و از همین رو در طول قرون، نوروز چند بار جابه‌جا شده است)، اما کیست که نداند حکیم عمر خیام نیشابوری مادر مرده با محاسبات دقیق نجومی و تسلط شگرفی که به ریاضیات داشت تقویمی را تنظیم کرد که به تقویم جلالی موسوم شده و چنان دقیق است که در عصر استفاده از ساعت‌های اتمی هم تحسین و اعجاب را برمی‌انگیزد.

با این مقدمه آیا خواندن جملات زیر در تقاویم سنتی آدم را قفلک نمی‌کند:

بدانکه حکمای ترکستان را از قبیحاق و ایغوردوری است که بر دوازده می‌گردد و هر سال را به اسم جانوری موسوم کرده‌اند و چگونگی حالات و حوادث آن سال را از طبع و خوی آن جانور استنباط می‌نمایند و آن را دور اثنسی عشری گویند و ابستدای این دور را از سیجقاق‌ئیل (سال موش) گیرند و مبداء سال را از بودن آفتاب در حدود نیمه دلو دانند و ماه



اول را از اجتماعی گیرند که در اواسط بُرج دلو واقع شود و آن نوروز و اول سال ایشان است و این سال نیکو فال فرخ‌مال که مجدد می‌شود سال سوم است از دور اثنسی عشری که آن بترکی بارس‌ئیل خوانند یعنی سال پلنگ و چنان دانند که هر گاه سال پلنگ در آید میان مردم عداوت ظاهر شود و با هم در مقام مخالفت برآیند و نقض عهد نمایند و بعضی دول و ممالک با هم در مقام خلاف و مخاصمه درآیند و آثار و زیان آن ظاهر گردد و مرگ حیوانات باشد و دوام (جمع دام) را آفت رسد و در بعضی مواضع احتمال زلزله و زمین‌لرزه باشد و جوانان و برنایان از راه صواب و سداد منحرف شوند و حیوانات گزنده بسیار شود و بارندگی خوب شود و احتمال کمی انگور بود و بیمارهای خالی از خطر حادث شود و بعضی کشتی‌ها را آفت رسد و هر فرزندی که در ثلث اول بدینا آید

باهوش و بلند همت شود و آنکه در ثلث دوم سال بوجود آید کم‌عمل و در افعال بی‌اندیشه و بی‌پاک بود و نیز هر مولودی که در ثلث آخر سال به دنیا آید غمناک و در امور زندگی کاهل و در رفتار خاموش بود.

با این حساب، در حالی که همه جهانیان مترفند نوروز عید ویژه و منحصر ایرانیان، و از ابداعات شگفتی‌آفرین آنها بود، تقویم‌نویسان سنتی ما همچنان بر این جعل تاریخی تکیه می‌کنند که حکمای ترکستان از قبیحاق و ایغور-ولابد مردم آنها- نوروز را مبداء سال نوی خود می‌دانند.

باز هم جای شکر دارد که نمی‌نویسند ایرانیان به تقلید از حکمای قبیحاق و ایغور نوروز را مبداء سال خود قرار داده‌اند و مثلاً جمشید و یا لهراسب و یا یکی دیگر از پادشاهان اسطوره‌ای ایران، هوس کرده از حکمای قبیحاق و ایغور تقلید کنند و عید ملی ایرانیان را از اقوام زرد وام بگیرند.

البته بد نیست توجه کنیم که حتی چینی‌ها که در عظمت و پیشرفت‌های علمی ایشان در عهد باستان جای تردید نیست گردش ایام را بر اساس گاه‌شماری قمر زمین، یعنی ماه محاسبه و زمان برگزاری جشن سال نوی خود را نیز بر مبنای همین محاسبات تعیین می‌کرده‌اند.

### پلنگ و رونق صادرات غیرنفتی

طبق فرموده سردبیر، آدمی با امیدها و رویاهایش دلخوش است و از همین رو به هر وسیله‌ای که در دل او بذر امید بکارد چنگ می‌اندازد، از جمله به فالگیری و پیش‌گویی. لذا بنده هم از روی ناچاری می‌نویسم:

نویسندگان تقاویم سنتی ما این لطف را از مردم دریغ نکرده‌اند و با غور و بررسی کواکب، در پایان هر سال، تصویری از اوضاع سال بعد برای استفاده کنندگان تقاویم خویش ترسیم می‌کنند. در تقویم مصباح اوضاع کلی سال ۱۳۷۷ چنین پیش‌بینی شده است:

... ارباب مثلثه مشتری و شمس و زحل دلالت دارند بر کثرت میاه (آبها) و هبوب ریاح (هبوب ریاح را بطور مجازی می‌توان فراوانی گیاهان معنی کرد) و قوت حال سپاه و افزونی و فراوانی فواکه (میوه‌ها) و غلات و نیکویی بازار محصولات و فرش و صادرات و استخراج و بهره‌برداری از معادن و احداث طرق و گفتگوها بین سران کشورها و ارتباط و جهد و کوشش در اتحاد ممالک اسلامی و وحشت سرسپردگان و

دشمنان اسلام و رشد و ارتقاء جوانان و فقدان بعضی نوابع و اغتشاش بعضی سرحدات و سفک دماء [ریختن خونها] و سود بازرگانان و کشف معادن و نیکویی حال بانوان و نبوغ آنان و تجلیل از دانشمندان و هنرمندان و ورزشکاران و سرمای زمستان و خدعه و توطئه دشمنان اسلام و کوشش بی‌گیر دولت در رفاه حال مردم.

این که طبق پیش‌بینی جناب منجم‌باشی در سال پلنگ صورتی محصول انگور کم خواهد بود و در برخی مناطق هم زلزله حادث می‌شود و هم زمین لرزه، نگرانی‌آور نیست زیرا در مقابل بارندگی فراوان خواهد بود، وضعیت معیشتی سپاهیان بهبود می‌یابد، اوضاع بازاریان روبراه می‌شود و صادرات فرش و دیگر محصولات غیر نفتی افزایش خواهد یافت و انشاء... اهداف پیش‌بینی شده در برنامه دوم توسعه اقتصادی-اجتماعی راجع به افزایش صادرات غیرنفتی تحقق می‌یابد.

در بهمن ماه سال گاو، یعنی سال ۱۳۷۶، یکی از مقامات مسئول هشداد داد در زمینه صادرات غیرنفتی از اهداف پیش‌بینی شده در برنامه دوم خیلی عقب هستیم. اگر ایشان توجه می‌کرد سال ۷۷ سال پلنگ است و در چنین سالی صادرات رونق می‌یابد با چنان نگرانی از ناچیز بودن صادرات غیرنفتی سخن نمی‌گفت و شکایت نمی‌کرد.

اصولاً به نظر می‌رسد طراحان و تصویب‌کنندگان برنامه دوم با احتساب این که سومین سال اجرای این برنامه مصادف با سومین سال دور اثنی‌عشری، یعنی سال پلنگ است، چنان ارقام بلند پروازانه‌ای را در برنامه مزبور برای توسعه صادرات غیرنفتی پیش‌بینی کرده بودند.

نباید تردید داشت اگر پیشرفته‌ترین رایانه‌ها هم اشتباه کنند، پیش‌بینی‌های ارائه شده در تقویم سنتی ما اشتباه از کار در نخواهد آمد. بنابراین وقتی در این تقویم‌ها خیر از «کوشش پیگیر دولت در رفاه حال مردم» داده می‌شود نباید از این بابت که دولت با یک کسر بودجه ۴۰۰ میلیاردی مواجه است، نگران شد، زیرا که حکمای قبیحاق و ایغور نیک می‌دانسته‌اند در سال پلنگ امکان وقوع رویدادهای معجزه‌آسا فراوان است و حدوث یکی از همین معجزات کافی است نه تنها کسر بودجه ۴۰۰ میلیاردی را جبران کند، بلکه ۴۰۰ میلیارد اضافی هم در اختیار دولت بگذارد تا امکان تأمین رفاه بیشتر برای مردم میسر شود.

در ایام رسیدگی به لایحه بودجه سال ۱۳۷۷،

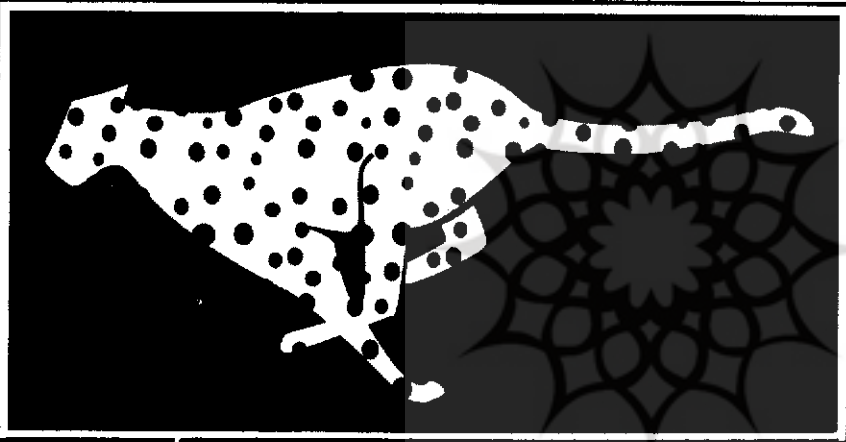
یعنی سال پلنگ، روزنامه همشهری به نقل از یک کارشناس آگاه نوشت کاهش اعتبارات عمرانی وزارت نیرو در بودجه سال ۱۳۷۷ توسط مجلس تأمین آب برای یک میلیون شهروند و ساخت ۷۰ سد را با مشکل مواجه می‌کند.

اگر آن کارشناس پیش‌گویی حکمای قبیحاق و ایغور را مبنی بر «کثرت میاه = زیادی بارندگی» خوانده بود نگران تأمین آب یک میلیون شهروند نمی‌شد، بلکه اطمینان‌خاطر هم می‌یافت که ما آنقدر مازاد آب خواهیم داشت که بتوانیم پروژه صدور آب را که در دولت سازندگی گذشته مطرح شد تحقق بخشیم و به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس آب صادر کنیم.

خوانندگان گرامی اگر نرخ آب در این کشورها را با نرخ نفت مقایسه کنند، متوجه خواهند شد قیمت آب گاه ده‌برابر قیمت نفت است؛ بنابراین با

خبر داده‌اند و چون حکما حرف بی‌ربط نمی‌زنند و پیش‌گویی آبکی انجام نمی‌دهند، لذا نباید تردید داشت در پایان سال ۱۳۷۷ ما دیگر با معضلی به نام مشکلات جوانان مواجه نخواهیم بود. جوانان «ارتقاء» خواهند یافت و قدشان کمی بلندتر خواهد شد و در همان حال که قد می‌کشند، شغل نان و آبداری به ایشان پیشنهاد می‌شود که علاوه بر مکفی بودن حقوق آن برای اداره یک خانواده، امکان می‌دهد آپارتمانی هم (ولو ۱۰۰ یا ۱۵۰ متری) بخرند.

این نکته که در قسمت اول پیش‌گویی حکمای قبیحاق و ایغور آمده است «جوانان و برنایان از راه صواب و سداد منحرف شوند» نباید موجب تردید و نگرانی شود، زیرا این قسمت مربوط به جوانان غیر ایرانی است و آنچه به جوانان ایرانی مربوط می‌شود در قسمت دوم آمده که همانا



این هم تصویر یک پلنگ غیر صورتی که برای دل‌خوشی نگهبانان و دوستداران محیط زیست چاپ کرده‌ایم!

عبارت است از «ارتقاء جوانان». بنابراین باید اطمینان داشت سال آینده نه دغدغه انحراف و اعتیاد جوانان آزارمان خواهد داد و نه با دیدن جوانانی که در حاشیه خیابانها ول می‌گردند یا کوپن و نوار و سیگار و برخی موارد دیگر خرید و فروش می‌کنند، دلخور خواهیم شد.

در مورد بانوان وضع از این هم درخشان‌تر خواهد بود، زیرا حکمای قبیحاق و ایغور خیر از شکوفائی نبوغ بانوان در سال پلنگ داده‌اند (البته آقایان باید خدا را شکر کنند که از رشد سریع ناخن خانم‌ها در کواکب اثری دیده نشده است!) نبوغ مردان که نتوانسته مسائل مربوط به زنان، مثلاً تکلیف پوشش قابل قبول همگان (و از جمله

صدور آب به خارج نه فقط عقب‌ماندگی در صدور محصولات غیرنفتی جبران خواهد شد، بلکه از محل مازاد درآمدهای ارزی آبکی خواهیم توانست بدهی‌های استمهال شده و استمهال نشده را هم پردازیم و مقادیر زیادی هم ارز پس‌انداز کنیم! علاوه بر این دیگر نگران سقوط قیمت نفت هم که این اواخر تا بشکه‌ای ۱۳ دلار تنزل کرد، نخواهیم بود. هر وقت نفت ارزان شد، صادرات آب را افزایش خواهیم داد.

### مسائل زنان و جوانان و راه حل پلنگانه

حکمای قبیحاق و ایغور از «ارتقاء جوانان» و «نیکویی حال بانوان و نبوغ آنان» در سال پلنگ

باوراندن این موضوع بی‌اهمیت که پلنگ خال مخالی واقعی با پلنگ صورتی فرقی ندارد، کار دشواری نیست. هست؟ والله نیست، بالله نیست. راحت می‌شود در همگان این باور را بوجود آورد که پلنگ صورتی کارتونی، همان پلنگ واقعی است. همانطور که توانسته‌ایم به همه بقبولانیم منابع طبیعی کشور و از جمله جنگلهای شمال و غرب دست نخورده باقی مانده است، و اگر کسی برحسب ضرورت، یا بی‌احتیاطی یک درخت را قطع کرده بجایش چند نهال کاشته است.

حسن پلنگ صورتی این است که در کنارش شاهد فعالیت آن بازرس معروف خواهیم بود. همان بازرس دماغ‌کنده‌ای که با درایت و شجاعت کم‌نظیری تبهکاران را به دام می‌اندازد و ریشه دزدی و نادرستی را می‌خشکاند.

پیشنهاد می‌کنم در ایام عید کارتون‌های پلنگ صورتی - بازرس و مورچه و مورچه‌خوار پیایی از تلویزیون پخش شود (ولو این که صدمین دفعه پخش آنها باشد).

خاتمه: نطق این پیشنهاد را عرض می‌کنم:  
۱- من پلنگ صورتی بزرگترها را مجاب می‌کند طبق پیش‌بینی حکمای قبیاق و ایغور سال پلنگ سالی است نیکو و در آن همه مشکلات و مسائل مربوط به جوانان، بانوان، صنعت، کشاورزی، صادرات غیرنفتی، بدهی خارجی و... به خیر و خوشی حل خواهد شد و نه از تورم اثری خواهد بود و نه هم از قانون‌شکنی و رابطه‌سالاری و انحصارطلبی و باقی قضایا.

۲- نمایش کارتون بازرس ثابت خواهد کرد مبارزه با فساد در کشور خیلی جدی، و بدون مستثنی کردن احدی از خلافکاران، جریان دارد و هر کس دست از پا خطا کند سر و کارش با بازرس دماغ‌کنده خواهد افتاد.

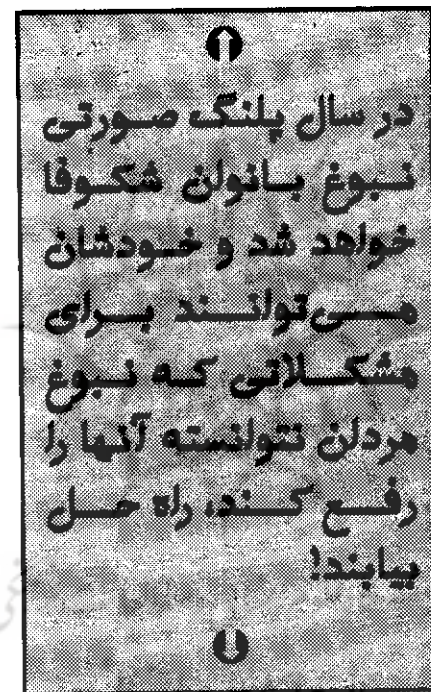
۳- نمایش کارتون مورچه و مورچه‌خوار بچه‌ها را سرگرم خواهد کرد که همین امر مانع می‌شود آنها به صرافت خوردن آجیل و شیرینی که به دلیل ارزانی قیمتشان، در همه خانه‌ها بوفور یافت می‌شود، بیفتند و دچار دل‌درد و عوارض بعدی آن شوند.

امیدواریم مسئولان سیما در سال پلنگ، پلنگ دماغی نکنند و به این پیشنهادات سازنده بها بدهند. خداوند توفیقشان بدهد. آمین.

نسل آن در بقیه نقاط منقرض شده است و احتمالاً اگر وضع بر همین روال ادامه یابد و آزادراه شمال ساخته شود و کارخانه‌های چوب و کاغذ قدیم و جدید همچنان درختان شمال را بیژند تا سراز یزد و کرمان درآورد، شاید سال ۱۳۷۷ سال انقراض نسل پلنگ باشد.

در دنیایی که پلنگ وجود نداشته باشد، سال پلنگ معنا و مفهومی دارد؟

البته که دارد. خدا آرشو صدا و سیما را از ما نگیرد. اگر چنین وضعی پیش بیاید برادران سیمانی درب آرشو مخصوص فیلم‌های پلنگ صورتی را خواهند گشود و هزاران قلاده پلنگ صورتی را از طریق صفحه تلویزیون به ما نشان خواهند داد و ما



بیاد خواهیم آورد این پلنگ صورتی‌ها را قبلاً دهها بار تماشا کرده‌ایم و خمیازه کشیده‌ایم.

پلنگ راست راستکی خال مخالی است، بنابراین می‌شود پلنگ صورتی را مظهر و نماد سال پلنگ تلقی کرد؟ چرا که نه؟ در کشوری که خیلی‌ها باور کرده‌اند (و سعی می‌کنند به دیگران هم بساووراندند) به خودکفائی رسیده‌ایم، سازندگی موفقیت‌آلود داشته‌ایم - نه یک خودروی ملی، بلکه چند خودروی ملی تولید می‌کنیم و... خلاصه همه امور خوب و بر وفق مراد پیش می‌رود،

مظاهرین به امر معروف و نهی از منکر) و نیز برخوردار از حقوق مساوی در اشتغال و... را حل کند. اما طبق فرموده حکمای قبیاق و ایغور در سال پلنگ نبوغ خود خانها شکوفا خواهد شد و خودشان راه حلی برای این مسائل پیدا خواهند کرد. ممکن است برخی خوانندگان ایراد بگیرند ما در این گزارش مشکل بیکاری را از قلم انداخته‌ایم. در این مورد هم خوشبختانه حکمای قبیاق و ایغور پیشگویی‌های نسیکویی کرده‌اند و نوشته‌اند استخراج و بهره‌برداری از معادن و ساخت طرق (راهها) رونق خواهد گرفت. نیاز به توضیح نیست که این امور اشتغال‌زا هستند و نه تنها برای محدود بیکاران کشور ایجاد شغل می‌کنند، بلکه‌ای بسا مجبور شویم از خارج کارگر و متخصص هم وارد کنیم!

در مورد بحران تورم نیز حکمای قبیاق و ایغور وعده‌های نیکو و امیدوارکننده‌ای داده‌اند: افزونی و فراوانی فواکه (میوه‌ها) و غلات...

وقتی فراوانی باشد، ارزانی است و وقتی ارزانی باشد دیگر تورمی در کار نخواهد بود. وقتی هم تورم نباشد مردم قدرت پس‌انداز خواهند داشت و پول‌هایشان را در بانک‌ها پس‌انداز خواهند کرده و بانکهای ما هم که صد در صد اسلامی شده‌اند دیناری از پس‌اندازهای مردم را به واسطه‌ها، نورچشمی‌ها، بساز و بفروشها، واردکنندگان و... نخواهند پرداخت، بلکه همه را به فعالین در بخش‌های تولید - چه کشاورزی و چه صنعت - وام خواهند داد (آن هم با بهره‌های نازل)، و لذا صنعت و کشاورزی رونق خواهد گرفت و ما نه تنها مجبور نخواهیم شد حدود هفت میلیون تن گندم - هشتصد نهصد هزار تن برنج - یک میلیارد دلار خوراک دام و دان مرغ و همین مبلغ روغن نباتی و شکر وارد کنیم، بلکه چشم و گوش شیطان کور و کر، چند میلیون تن گندم مازادمان را هم به خارج صادر خواهیم کرد.

پلنگ صورتی به میدان می‌آید در حالی که به استقبال سال پلنگ می‌رویم که همین چندی قبل یکی از مسئولین حفظ محیط زیست اعلام کرد نسل پلنگ در جنگلهای گیلان و مازندران در حال انقراض است. وقتی نسل پلنگ در جنگلهای شمال در شرف انقراض باشد، لایند